سرشناسه	: ترسلی کاشانی، ۱۳۰۱
عنوان و پدیدآور	: مواعظ الانبیاء / تالیف حسن ترسلی کاشانی
مشخصا نشر	: قم: عصر ظهور، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۸۳ ص.
شابک:	: (ج۱) ۴-۷۴-۶۶۳۹-۹۶۴-۹۷۸:ISBN
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت: کتابنامه	: به صورت زیرنویس
موضوع	: پیامبران – سرگذشت‌نامه
موضوع	: قرآن – قصه‌ها
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۸م ۴ت/ ۸۸ BP
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۰۶

عنوان ..... مواعظ‌الانبیاء ج۱

تألیف ..... شیخ حسن ترسلی کاشانی

ناشر ..... انتشارات عصر ظهور

چاپ ..... سلیمان‌زاده

نوبت چاپ ..... اول/ ۱۳۹۴

تیراژ ۱۰۰۰

شابک ۴-۷۴-۶۶۳۹-۹۶۴-۹۷۸

قیمت دوره ..... ۱۰۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، نشر عصر ظهور تلفن: ۳۷۷۴۱۲۱۶

همراه: ۰۹۱۲۱۵۱۹۰۷۸ و ۰۹۱۹۶۱۴۸۱۷۰

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه ۱۳
اهمیت تاریخ از دیدگاه آیات ۱۳
از سرگذشت پیشینیان عبرت بگیرید ۱۶
مشاهده ابنیه و آثار تاریخی ۱۷
تاریخ از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه ۱۸
تحلیل و بررسی تاریخ و سرگذشت پیشینیان ۱۹
پند گرفتن از سرگذشت پیشینیان ۱۹
مقاطع مهم تاریخی در قران ۲۴
تاریخ محصول تجربیات گذشتگان ۲۵
تاریخ احیاگر دل های فرد و جامعه ۲۶
تاریخ از دیدگاه قرآن ۲۷
اهمیت تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه ۲۸

اسرائیلیات

اسرائیلیات ۳۱
برخورد با افسانه سرایی و افسانه سرایان ۳۱

معرفی کتاب مواعظ الانبیاء علیهم السلام ۳۵

www.Ketab.ir

مواعظ الانبیاء علیهم السلام

قرآن موعظه است برای مردم و هدایت و رحمت است برای مؤمنین.....۴۳
وظایف اعضا و جوارح از منظر قرآن.....۴۶

تکبّر

تکبّر.....۵۵

ایام الله

ایام الله.....۶۷
دعای [illegible] خمسه عشر.....۷۱
در دعای مکارم الاخلاق.....۷۲
ابراهیم مؤمن واقعی.....۷۲
مفسرین برای امت چندین وجه گفته‌اند.....۷۳

امور و احوال مشترک میان جمیع پیغمبران و اوصیای ایشان

در بیان علت بعثت پیغمبران و معجزات ایشان.....۱۲۵

عدد انبیاء علیهم السلام و اصناف ایشان

عدد انبیاء و اصناف ایشان.....۱۳۱

در بیان عصمت انبیاء و ائمه علیهم السلام

عصمت انبیاء و ائمه علیهم السلام.....۱۶۱

در بیان فضائل و مناقب انبیاء و اوصیاء علیهم السلام

فضائل و مناقب انبیاء و اوصیاء.....۱۶۹

قصص حضرت نوح علیه السلام و بعضی از احوال آن حضرت

در بیان ولادت و وفات و مدت عمر آن حضرت است.....۱۸۹

www.ketab.ir

مبعوث شدن حضرت نوح علیه السلام بر قوم

مبعوث شدن حضرت نوح علیه السلام بر قوم و آنچه میان او و قوم او گذشت تا غرق شدن و سایر احوال آن حضرت..... ۲۰۳

گفتار مؤلف بر تاریخ حضرت نوح علیه السلام

گفتار مؤلف بر تاریخ حضرت نوح علیه السلام..... ۲۳۵

آیات راجع به حضرت نوح علیه السلام و قصه طوفان

آیات راجع به حضرت نوح علیه السلام و قصه طوفان..... ۲۴۷

تفسیر آیات منتخب تاریخ نوح علیه السلام

تفسیر آیات سوره اعراف..... ۲۶۳
داستان نوح علیه السلام..... ۲۶۵
تفسیر آیات سوره یونس..... ۲۶۶
تفسیر آیات سوره هود..... ۲۷۲

نقدی بر تاریخ نوح علیه السلام به نقل از تنزیه الانبیاء سید مرتضی رحمه الله

تنزیه نوح علیه السلام..... ۲۸۱
نوح علیه السلام و نسبتی ناروا..... ۲۸۱

تاریخ هود علیه السلام در قصه یهود و قوم او عاد

قصه ی هود علیه السلام و قوم او، عاد..... ۲۸۹

گفتار مؤلف بر تاریخ هود علیه السلام

گفتار مؤلف بر تاریخ هود علیه السلام..... ۳۱۳

آیات راجع به تاریخ هود علیه السلام

اعراف..... ۳۱۹

www.Ketab.ir

هود ۳۲۰
مؤمنون ۳۲۲
شعراء ۳۲۳
فصلت ۳۲۴
احقاف ۳۲۵
ذاریات ۳۲۶
قمر ۳۲۷
الحاقة ۳۲۷

تفسیر آیات تاریخ هود علیه السلام

از نقل در تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی رحمه الله

تفسیر آیات سوره اعراف ۳۳۱
تفسیر آیات سوره هود ۳۳۵

بیان قصه های حضرت صالح علیه السلام

در بیان قصه های حضرت صالح علیه السلام و ناقه ی آن حضرت و قوم او ۳۴۷

آیات راجع به حضرت صالح علیه السلام

اعراف ۳۶۹
هود ۳۷۰
حجر ۳۷۲
شعراء ۳۷
نمل ۳

قصه های حضرت ابراهیم علیه السلام، خلیل الرحمن و اولاد مجد آن حضرت

در بیان فضایل و مکارم اخلاق و نام های جلیل و نقش نگین آن حضرت ۳۸۱

www.Ketab.ir

قصه های حضرت ابراهیم علیه السلام از هنگام ولادت تا شکستن بت ها

قصه های حضرت ابراهیم علیه السلام از هنگام ولادت تا شکستن بت ها و آنچه گذشت میان آن حضرت و ظالمان آن زمان خصوصاً نمرود و آزر ۳۹۷

در بیان آنکه حق تعالی به ابراهیم نود ملکوت آسمان ها و زمین را

در بیان آنکه حق تعالی به ابراهیم نمود ملکوت آسمان ها و زمین را، و سؤال کردن آن حضرت از خدا زنده کردن مرده را و آنچه وحی به آن حضرت رسید و علومی که از او ظاهر شده است ۴۲۹

مدت عمر شریف و کیفیت وفات و بعضی از نوادر احوال حضرت ابراهیم علیه السلام

در بیان مدت عمر شریف و کیفیت وفات و بعضی از نوادر احوال حضرت ابراهیم علیه السلام ۴۴۹

در بیان احوال خیر مال اولاد امجاد و ازواج مطهرات حضرت ابراهیم علیه السلام

در بیان احوال خیر مال اولاد امجاد و ازواج مطهرات آن حضرت و کیفیت بنا کردن خانه کعبه و ساکن گردانیدن اسماعیل در آن مکان ۴۵۹

مأمور شدن ابراهیم علیه السلام به ذبح فرزندش

در بیان مأمور شدن ابراهیم علیه السلام به ذبح فرزندش ۴۷۳

گفتار مؤلف بر تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام

گفتار مؤلف بر تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام ۴۹۹

نقدی بر تاریخ حضرت ابراهیم علیه السلام به نقل از تنزیه الانبیاء سید مرتضی رحمه الله

ابراهیم علیه السلام و نسبت ناروای کفر و نافرمانی ۵۱۷

www.ketab.ir

ابراهیم علیه السلام و نسبت ناروای دروغگویی ۵۲۱
ابراهیم علیه السلام و شک در خداوند ۵۲۴
ابراهیم علیه السلام و ناتوانی ۵۲۸
ابراهیم علیه السلام و ونسبت ناروای تردید در قدرت خداوند ۵۳۰
ابراهیم علیه السلام و طلب آمرزش برای کافران ۵۳۷
گ داشت ابراهیم علیه السلام با با استجابت دعایش ۵۴۲
ابراهیم علیه السلام و جدالی نا به جا ۵۴۳
ابراهیم علیه السلام نسبت ناروای خلق افعال توسط خداوند ۵۴۷

آیات راجع به تاریخ ابراهیم علیه السلام

آیات راجع به مکارم اخلاق و سنت نقش نگین آن حضرت ۵۵۵
آیات راجع به شکستن بت ها و قصه ولادت آن حضرت ۵۵۶
آیات راجع به رؤیت ملکوت آسمان و زمین ۵۶۵
آیات راجع به احوال فرزندان و ازدواج آن حضرت و بناء کعبه ۵۶۶

تفسیر آیات منتخب تاریخ ابراهیم علیه السلام
به نقل از تفسیر مجمع البیان شیخ طبرسی رحمه الله

تفسیر آیات سوره آل عمران ۵۷۳
تفسیر آیات سوره بقره ۵۷۶
تفسیر آیاتی از سوره انعام ۵۸۰

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أنزل القرآن موعظة وهدى للناس ليكون موعظة للمؤمنين وهداية لخلق أجمعين، وجعل محمداً صلى الله عليه وآله بشيراً ونذيراً وخلق الائمة المعصومين عليهم السلام من بعده اوصياء ليكونوا حججاً على عباده لئلا يقول أحدٌ لولا أرسلت إلينا رسولاً منذراً وأقمت لنا علماً هادياً فنتبع آياتك ليهلك من هلك عن بينة ويحيى من حي عن بينة. والحمد لله الذي جعلنا مؤمنين ومسلمين لمحمد مقرين ومذعنين بولاية الأئمة المعصومين عليهم السلام ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

www.Ketab.ir

مقدمه

اهمیت تاریخ از دیدگاه روایات

قال علی علیه السلام:

«أَیْ بُنَیَّ إِنِّی وَإِنْ لَمْ أَکُنْ عُمِّرْتُ عُمُرَ مَنْ کَانَ قَبْلِی فَقَدْ نَظَرْتُ فِی أَعْمَالِهِمْ، وَفَکَّرْتُ فِی أَخْبَارِهِمْ، وَ سِرْتُ فِی آثَارِهِمْ حَتَّی عُدْتُ کَأَحَدِهِمْ. بَلْ کَأَنِّی بِمَا انْتَهَی إِلَیَّ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِّرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَی آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِکَ مِنْ کَدَرِهِ، وَنَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ، فَاسْتَخْلَصْتُ لَکَ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ نَخِیلَهُ وَتَوَخَّیْتُ لَکَ جَمِیلَهُ، وَصَرَفْتُ عَنْکَ مَجْهُولَه».[1]

حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

من گرچه عمر پیشینیان را نداشته ام امّا بخاطر مطالعه، تفکّر و تعمّق در زندگانی وآثار آنان، گویی یکی از آنان شده و با آنان زندگی کرده‌ام. بلکه بخاطر آگاهی از امورشان آگاهی یافته ام که گویی با اولین وآخرین آنان زندگی کرده ام و در این سیر و تأمل کردار نیک وبد را شناختم وسود را از زیان تمییز دادم آنگاه برای تو زبده ی هرکار وزیبای ان را پیدا کردم و ناشایست آن را کنار گذاشتم.

تاریخ عبارت است از بیان وقایع و حوادثی که در دوره زندگی بشر روی داده است و در آن فراز و نشیبها، شکست و پیروزیها، تلخی و شیرینیها را به خواننده

---

۱. تحف العقول: ۷۰؛ نهج البلاغه: ۴۱/۳.

www.ketab.ir

عرضه دارد. چنانکه گویی خویشتن را با آنان و حوادثی که اتفاق افتاده هم عصر و همگام می پندارد.

داستانهای پیشینیان مجموعه ای است از پرارزشترین تجربیات آنها، و می دانیم که محصول زندگی چیزی جز تجربه نیست.

تاریخ آئینه ای است که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می سازد، زشتیها، زیبائیها، کامیابیها، ناکامیها، پیروزیها و شکستها و عوامل هر یک از این امور را.

به همین دلیل مطالعه تاریخ گذشتگان، عمر انسان را ـ درست به اندازه عمر آنها ـ طولانی می کند! چرا که مجموعه تجربیات دوران عمر آنها را در اختیار انسان می گذارد.

مدت کوتاه عمر انسان اجازه نمی دهد که هر کس جداگانه یک یک کارها را تجربه کند؛ ناچار باید از تجارب دیگران خاصه گذشتگان هم بهره ببرد و این چیزی است که از مطالعه تاریخ به آن می توان رسید.بدین گونه کسی که در تاریخ تأمل کند و در آنچه برای وی پیش می آید از حوادث گذشته عبرت و حکمت بیاموزد مثل آن است که در رویدادهایی که برایش پیش می آید، با تمام خردمندان عالم مشورت کرده باشد.

البتّه تاریخی که خالی از خرافات و دروغ پردازیها و تملق ها و ثنا خوانیها و تحریفها و مسخها بوده باشد، ولی متأسفانه این گونه تواریخ کم است، و نقش قرآن را در ارائه نمودن نمونه هائی از تاریخ اصیل نباید از نظر دور داشت.

تاریخی که همچون آئینه صاف باشد، نه کژ نما!، تاریخی که تنها به ذکر وقایع نپردازد، به سراغ ریشه ها و نتیجه ها نیز برود.

با این حال چرا قرآن که یک کتاب عالی تربیت است در فصول و فرازهای خود تکیه بر تاریخ نکند و از داستانهای پیشینیان، مثال و شاهد نیاورد؟

از این گذشته تاریخ و داستان، جاذبه مخصوصی دارد، و انسان در تمام ادوار عمر خود از سن کودکی تا پیری تحت تاثیر این جاذبه فوق العاده است.

و به همین جهت‌قسمت مهمی‌از ادبیات جهان، و بخش‌بزرگی‌از آثار نویسندگان، را تاریخ و داستان تشکیل می دهد.

www.Ketab.ir

انسان قبل از آنکه، عقلی باشد حسی است و بیش از آنچه به مسائل فکری می اندیشد در مسائل حسی غوطه ور است.

مسائل مختلف زندگی هر اندازه از میدان حس دور می شوند و جنبه تجرد تلاقی به خود می گیرند ثقیل تر و سنگین تر و دیرهضم تر می شوند.

و از اینرو می بینیم همیشه برای جاافتادن استدلالات عقلی از مثالهای حسی استفاده می شود و گاهی ذکر یک مثال مناسب و بجا تاثیر استدلال را چندین برابر می کند. و لذا دانشمندان موفق آنهایی هستند که تسلط بیشتری بر انتخاب بهترین مثالها دارند.

و چرا چنین نباشد در حالی که استدلالهای عقلی بالاخره برداشتهائی از مسائل حسی و عینی و تجربی است.

داستان و تاریخ برای همه کس قابل فهم و درک است، بر خلاف استدلالات عقلی که همه در آن یکسان نیستند!

به همین دلیل کتابی که جنبه تاریخی و همگانی دارد و از عرب بیابانی بیسواد نیمه وحشی گرفته تا انسان بزرگ و متفکر همه را در آن استفاده کنند، حتماً باید روی تاریخ و داستانها و مثالها تکیه نماید.

مجموعه این جهات نشان می دهد که قرآن در بیان این همه تاریخ و داستان بهترین راه را از نظر تعلیم و تربیت پیموده است.

مخصوصاً با توجه به این نکته که قرآن در هیچ مورد به ذکر وقایع تاریخی بطور برهنه و عریان نمی پردازد، بلکه در هر گام از آن نتیجه گیری کرده، و چهره بداری تربیتی می کند

قال علی علیه السلام:

«وَاحْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالأُمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثُلاَتِ بِسُوءِ الأَفْعَالِ، وَ ذَمِيمِ الأَعْمَالِ. فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ، وَ احْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ. فَإِذَا تَفَكَّرْتُمْ فِي تَفَاوُتِ حَالَيْهِمْ، فَالْزَمُوا كُلَّ أَمْرٍ لَزِمَتِ الْعِزَّةُ بِهِ شَأْنَهُمْ، وَزَاحَتِ الأَعْدَاءُ لَهُ عَنْهُمْ، وَ مُدَّتِ الْعَافِيَةُ بِهِ عَلَيْهِمْ، وَ انْقَادَتِ النِّعْمَةُ لَهُ مَعَهُمْ، وَ وَصَلَتِ الْكَرَامَةُ عَلَيْهِ حَبْلَهُمْ مِنَ الاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ، وَ اللُّزُومِ لِلأُلْفَةِ،

www.Ketab.ir

وَ التَّحَاضِّ عَلَيْهَا، وَ التَّوَاصِي بِهَا، وَ اجْتَنِبُوا كُلَّ أَمْرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُمْ، وَ أَوْهَنَ مُنَّتَهُمْ: مِنْ تَضَاغُنِ الْقُلُوبِ، وَ تَشَاحُنِ الصُّدُورِ، وَ تَدَابُرِ النُّفُوسِ، وَ تَخَاذُلِ الأَيْدِي».[1]

از کیفرهایی که بر اثر سوء افعال و اعمال ناپسند بر امتهای پیشین وارد شد، برحذر باشید، حالات آنها را در خوبی و بدی به یاد آرید و بترسید از اینکه شما هم مانند آنان شوید، هرگاه به تفاوت دو حال آنها (پیروزی و شکست) می اندیشید به سراغ اموری بروید که موجب عزّت و اقتدار آنان شد؛ دشمنان را از آنها دور کرد؛ عافیت و سلامت را بر آنان گسترش داد؛ نعمتها مطیعشان شد و کرامت و شخصیت، رشته خود را با آنان پیوست. عامل این خوشبختی پرهیز از تفرقه، تأکید بر الفت و اتحاد، تشویق یکدیگر به آن و سفارش نمودن به انجام آن بود. از هر کاری که ستون فقرات آنها را درهم شکست و قدرتشان را سست کرد اجتناب کنید. از کینه های درونی، بدخواهی، پشت به هم کردن و دست از یاری هم برداشتن بپرهیزید.

از سرگذشت پیشینیان عبرت بگیرید

امیر المؤمنین علیه السلام در این بخش از پند بخش آینده، مخاطبان خود را به مطالعه در احوال پیشینیان دعوت می کند عوامل ضعف و قدرت آنها را بر می شمرد و اسباب پیروزی و شکست را در جای جای زندگی آنان به مخاطبان خود نشان می دهد، تا از تجارب آنان بهره گیرند و در پرتو هدایتهای تاریخ راه صحیح زندگی را پیدا کنند. این نوع آموزش (آموزش از طریق مطالعه تاریخ پیشینیان) چیزی است که قرآن مجید در اکثر سوره ها بر آن تأکید می کند و بسیار مؤثر و تکان دهنده است. می فرماید:

«وَاحْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالأُمَمِ قَبْلَكُمْ مِنَ الْمَثُلاَتِ بِسُوءِ الأَفْعَالِ، وَذَمِيمِ الأَعْمَالِ. فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ، وَاحْذَرُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ.[2]

---

۱. نهج البلاغه: ۱۵۱/۲.

۲. نهج البلاغه: ۱۵۱/۲.

www.ketab.ir

«کیفرهایی که بر اثر سوء افعال و اعمال ناپسند بر امتهای پیشین وارد شد برحذر باشید، حالات آنها را در خوبی و بدی به یاد آرید و بترسید از اینکه شما مانند آنان باشید»؛

در این جمله امام علیه‌السلام به سرنوشت اقوامی، همچون قوم عاد، ثمود و قوم نوح و قوم لوط و سرنوشت فرعونها و نمرودها عذابهایی که بر اثر اعمال زشتشان بر سر آنها فرو آمد اشاره می کند و همه را از مبتلا شدن به چنان سرنوشتی برحذر می دارد.

تعبیر به «سُوءِ الاَفْعَالِ وَ ذَمِیمِ الاَعْمَالِ» ممکن است تأکید بر روی یک معنا باشد و آن کارهای زشت و ناپسند است. این احتمال نیز وجود دارد که «سوء افعال» اشاره به اعمال گناه آلوده باشد و «ذمیم اعمال» ناظر به کارهای ناپسند، هر چند به مرحله‌ی گناه نیز نرسد؛ مانند غفلت از فرمان خدا و ترک انصاف وجود و بخشش و ایثار که مورد نکوهش عقل و خرد است.

مشاهده ابنیه و آثار تاریخی

قال علی علیه‌السلام:

«وَسِرْ فِی دِیَارِهِمْ وَآثَارِهِمْ فَانْظُرْ فِیمَا فَعَلُوا»[1]

بررسی تاریخ و سرگذشت پیشینیان اگر همراه با شواهد خارجی و عینی مثل قبور و ابنیه باشد، با اعتماد بیشتری توأم می گردد.

مثلاً اگر خرابه های تخت جمشید و پاسارگاد نبود، مورخان و محققان هرگز از آن هم در کتاب های تاریخی در مورد ایران باستان مطالعه می کردند، باور کردن اصل وجود آنها برایشان بسیار دشوار بود، تا چه رسد به جزئیات و خصوصیات آن.

ابنیه و قبور پیشینیان به منزله تاریخ عینی و خارجی است در مقابل تاریخ مکتوب در صفحات و اوراق کتاب ها. مشاهده ستون های سربه فلک کشیده تخت جمشید و سنگ نوشته ها و نقش هایی که بر سنگها حک شده مطالعه تاریخ سراسر ظلم

---

۱. نهج البلاغه: ۳۹/۳.

www.Ketab.ir

پادشاهان ایران باستان است. این بناها به وضوح با ما سخن می گویند که حکام و پادشاهان چگونه عده ای از مزدوران را به کار گمارده تا چنین کاخ هایی را بنا کرده اند. اهرام مصر و خرابه های باقی مانده قصر اموی، همه و همه بیانگر سرگذشت سراسر تاریک و ظلمانی ستمکاران است.

در مقابل، مشاهده قبور و آثار به جا مانده از اولیای خدا به منزله خواندن تاریخ سراسر افتخار و عظمت آنان است. دیدن مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و قبور بزرگان دین و سایر آثار اولیای خدا، مثل مسجد الاقصی و حرم ابراهیمی گواه صدق سرگذشت پرافتخار آنهاست.

از این جاست که خیانت وهابیون در اجرای نقشه شوم استعمارگران و تخریب آثار و قبور و مخالفت با تکریم و بزرگداشت اولیای خدا و احترام مشاهد مشرفه، آشکار می گردد.

تاریخ از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه

قرآن کریم بر این نکته به مطالعه عبرت کار گذشتگان تأکید فراوان دارد:

﴿فَسِیرُوا فی الْأَرضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الْمُکَذِّبین﴾[۱] ؛

«در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید که چگونه عاقبت هلاک شدند کسانی که وعده های خدا را تکذیب کردند».

﴿قُل سِیروا فی الأرضِ ثُمَّ انْظُروا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الْمُکذِّبین﴾[۲]؛

«بگو ای پیغمبر! در روی زمین گردش کنید تا سرانجام سخت تکذیب کنندگان را ببینید».

﴿فَانْظُرْ کیف کان عاقبةُ الْمُفْسِدین﴾[۳] ؛

«بنگر تا عاقبت به روزگار آن تبه کاران چه رسید».

---

۱. آل عمران: ۱۳۷.

۲. انعام: ۱۱.

۳. اعراف: ۱۰۳.

www.ketab.ir

﴿فَانْظُرْ کیف کان عاقبةُ الظالمین﴾[۱]؛

«بنگر تا عاقبت چه به روزگار ستمگران رسید».

﴿فَانْظُرْ کیف کان عاقبةُ الْمُنْذَرین﴾[۲]؛

«بنگر! که عاقبت کار انذارشدگان به کجا کشید».

﴿قل سِیرُوا فی الأرض کیفَ کانَ عاقبةُ المُجْرِمین﴾[۳]؛

«بگو: در روی زمین گردش کنید تا ببینید عاقبت کار بدکاران به کجا کشید».

﴿[...] فانظر کیفَ کانَ عاقبةُ الظالِمین﴾[۴]؛

«همه را به دریا غرق ساختیم؛ بنگر عاقبت کار ستمکاران به کجا کشید».

﴿فانتقمنا منهم فَانْظُرْ کَیفَ کانَ عاقِبةُ المکذِّبین﴾[۵]؛

«ما هم از آنان انتقام کشیدیم، بنگر عاقبت کار کافران مکذّب به کجا کشید».

تحلیل و بررسی تاریخ و سرگذشت پیشینیان

قال علی علیه‌السلام:

«فَاسْتَخْلَصْتُ لَکَ مِن کلِّ أمرٍ نَزِلَ»[۶]

صِرف دانستن هر یک از حوادث تاریخی بدون ارتباط با هم و بدون به دست آوردن قضایا و ضوابط کلی و فراگیر، فایده و نتیجه ای نخواهد داشت؛ لذا باید علاوه بر دانستن وقایع، رابطه بین آنها و مشترکات آنها را هم به دست آورد.

---

۱. یونس: ۳۹.

۲. یونس: ۷۳.

۳. نمل: ۶۹.

۴. قصص: ۴۰.

۵. زخرف: ۲۵.

۶. تحف العقول: ۷۰.

www.ketab.ir

پند گرفتن از سرگذشت پیشینیان

قال علی علیه السلام:

«وکأنَّک عن قلیلٍ صِرْتَ کأحدهم فَأصْلِحْ مَثْواکَ» [۱].

دانستن حوادث و وقایع تاریخ و آگاهی از قوانین و نظامات حاکم بر آن نیز به تنهایی برای ما کافی نیست، بلکه باید در عمل آنها را مراعات نمود.

در همین وصیت می فرمایند:

«یا بُنَیَّ إنِّی قَدْ أنبَأْتُکَ عَن الدُّنیا وَحالِها وَزَوالِها وَانْتِقالِها وَأنْبَأْتُکَ عَن الآخِرَةِ وَما أُعِدَّ لأهْلِها فیها وَضَرَبْتُ لَکَ فِیهما الأمثالَ لِتَعْتَبِرَ بها وَتَحْذُوَ [illegible] [۲]»

فرزندم! من تو را از دنیا و زوال و دگرگونی اش آگاه ساختم و از آخرت و آنچه برای اهلش در آن مهیا شده مطلع گردانیدم و درباره هر دو برایت مثلها زدم تا به وسیله آنها عبرت گیری و در راه صحیح گام نهی.

و در همین دیگر می فرمایند:

«فَاعْتَبِرُوا بما أصابَ الْأُمَمَ الْمُسْتَکْبِرِینَ مِن قَبْلِکم مِن بَأْسِ اللَّهِ وَصَوْلاتِهِ وَ وَقائِعِهِ وَمَثُلاتِهِ وَاتَّعِظُوا بِمثاوِی خدودهم [illegible] مصارع جُنُوبهم [۳]»؛

از آنچه به امت های متکبر پیشین از عذاب و کیفرها و عقوبت ها رسیده است عبرت گیرید و از قبرهای آنها و محل خوابیدنشان در زیر خاک پند گیرید.

و نیز می فرمایند:

---

۱. تحف العقول: ۶۹.

۲. نهج البلاغه: ۴۵/۳.

۳. نهج البلاغه: ۱۴۳/۲.

www.ketab.ir

«وإنَّ لكم فی الْقُرون السالِفَة لَعِبْرَةً أیْنَ الْعَمالِقَةُ وَأبْناء الْعَمالِقَة أیْنَ الْفَراعِنَةُ وَأبْناء الْفَراعِنَة أیْنَ أصْحَابُ مَدائِنِ الرَّسِّ الَّذِینَ قَتَلُوا النَّبِیِّین وَأطْفَؤُوا سُنَنَ الْمُرْسَلِینَ وَأحْیَوْا سُنَنَ الْجَبّارین أیْنَ الَّذِینَ سارُوا بِالْجُیُوشِ وَ رَمَوُا بِالْأُلُوفِ وَعَسْکَرُوا الْعَساکِرَ وَمَدَّنُوا الْمَدائِنَ»[1]؛

«برای شما در سرگذشت پیشینیان درس های عبرت فراوانی وجود دارد. کجایند عمالقه و کجایند فرزندان آنها؟ کجایند فرعون ها و فرزندانشان؟ اصحاب شهرهای «رس» همان کسانی که پیامبران را کشتند و راه و رسم ستمگران را زنده ساختند،

کجایند؟ کجایند آنها که با لشکرهای گران به راه افتادند و هزاران نفر را هزیمت دادند، سپاهیان فراوان گرد آوردند و شهرها بنا نمودند؟. عبرت از تاریخ گذشتگان وسیله نجات از سقوط در شبهات»

«إنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبَرُ عَمّا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْمَثُلاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَی عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَات»[2]

همانا کسی که تاریخ گذشتگان برای او عبرت و زبان گویا باشد نسبت به آنچه در پیش روی دارد از عقوبتها و گرفتاریها، تقوی او را از وارد شدن در شبهات مانع می گردد.

«صرح» از ماده «تصریح» است، و «تصریح» آن است که مسئله مبهمی را صریح و روشن به انسان بفهماند. «عبر» جمع «عبرت» است. «مثلات» جمع «مثله» به معنای عقوبت است، چه عقوبت دنیوی و چه عقوبت اخروی. «حجزته» یعنی او را باز می‌دارد.

تاریخ در حالی که گذشته را بیان می کند بی زبان است اما برای اهل علم و فهم زباندار است. با مطالعه تاریخ گذشتگان انسان می‌بیند سلاطین بزرگ با چه قدرتهایی سرکوب شدند، ثروتمندان بزرگ ثروتشان به باد فنا رفت و خودشان هم رفتند،

---

۱. نهج البلاغه: ۱۰۷/۲.

۲. نهج البلاغه: ۴۶/۱.

www.Ketab.ir

خوبان و بدان همه رفتند، از خوبان خوبی هایشان و از بدان بدی‌هایشان در تاریخ ماند. بیش از نصف قرآن ذکر داستان پیغمبران و همچنین سرکشهای روزگار مثل فرعون و نمرود است. هدف قرآن این است که دیگران عبرت بگیرند و بدانند که قدرت و زور از آنها گرفته و تاریخ تکرار می‌شود.

«مثلة» یعنی عقوبت چه دنیوی و چه اخروی.

«عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثُلَاتِ»

از آنچه در پیش روی دارد از عقوبت ها.

«بَيْنَ يَدَيْهِ» یعنی جلوی انسان. بعضی از شارحان نهج البلاغه عقوبت های جلو را عقوبت های گذشته تعرفی کرده اند، بدین معنی که گویا گذشته ها در مقابل شماست و شما آنها را می‌بینید. ممکن هم هست عکس آن باشد، زیرا گذشته را انسان پشت سر گذاشته، و آنچه جلوی انسان است آینده است. انسان مسافری است که به طرف قیامت حرکت می‌رود، و راهی که در پیش دارد بین دو دست اوست. خداوند از زبان شیطان می‌فرماید:

﴿لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ﴾[1]

«خدایا! برای این مردم بر سر راه راست تو می‌نشینم و از چهار جبهه به این مردم حمله می‌کنم، از جلوی دستهایشان و از پشت سرشان و از طرف راستشان و از طرف چپشان».

در اخبار و روایات در تفسیر این آیه آمده است:

آنچه در جلو قرار دارد مرگ و قیامت است، چون به طرف مرگ و قیامت می‌رویم شیطان آن را از ذهن ما بیرون می‌برد و ما را از مردن و قیامت غافل می‌کند؛ و منظور از آنچه پشت سر است دنیاست، چون انسان به طرف آخرت که پیش دنیا را پشت سر می‌گذارد، شیطان می‌گوید: دنیا را برای او زینت می‌دهم تا به آن دلبسته

---

۱. اعراف: ۱۶.

www.ketab.ir

شود؛ و منظور از طرف راست، اعمال خوب است، شیطان می‌گوید اعمال خوب را در نظر انسان سست می‌کنم که انجام ندهد؛ و منظور از طرف چپ اعمال زشت است، شیطان کاری می‌کند که انسان کارهای زشت را انجام دهد و مرتکب گناه و معصیت شود.

بنابراین تفسیر «عَمَّا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْمَثُلَاتِ» یعنی: عقوبت هایی که در پیش دارید، سنخ عقوبت هایی که برای گذشتگان بود چه عقوبت دنیوی و چه عقوبت اخروی.

و منظور هم عقوبت های افراد و اقوام گذشته نیست، بلکه منظور عقوبت های خودشان است. ظالم به نتیجه ظلمش را هم در این دنیا ببیند و هم در آخرت.

کسانی که زبان گویای تاریخ برای آنها بفهماند که جنایت و ظلم چگونه عقوبت ها و گرفتاریهایی را به دنبال دارد ـ چه عقوبت دنیوی و چه اخروی ـ و از تاریخ درس بگیرند، در آن صورت انسانها پرهیزکار می‌شوند، و این گونه نظر به تاریخ در آنها حالت تقوی ایجاد می‌کند.

قرآن پیروان خود را به مطالعه تاریخ گذشتگان وامی خواند و با تکرار و تأکید زیاد به پیروانش دستورمی دهد به سیر و سفر بپردازند و از نزدیک نشانه های تاریخی را مشاهده نمایند تا اندیشه آنها بارور شود و سطح فکر و فرهنگشان ارتقا یابد؛ دستور مطالعه آثار تاریخی با تعبیرات مختلفی آمده است:

الف ـ به صورت امر مستقیم همانند:

﴿قُلْ سیروُا فِی الأَرْضِ...﴾

«(ای پیامبر به مردم) بگو در زمین بگردید... ».

ب ـ به صورت استفهام که در معنای امر، همراه با نکوهش ترک سیر و مطالعه تاریخ است؛ چون:

﴿أَفَلَمْ یَسیروُا فِی الأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾.

«آیا (مخالفان دعوت تو) در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟».

www.ketab.ir

مقاطع مهم تاریخی در قرآن

بیش از نصف قرآن مربوط به تاریخ و تبیین تاریخ است؛ حتی بخش عظیمی از آیات در موضوعات فقهی، کلامی و اجتماعی و... از نظر شأن نزول و تطبیق و تعیین مصداق با تاریخ درآمیخته است. از سوی دیگر، برخی از سوره‌ها چون سوره حمد که به ظاهر جنبه تاریخی ندارد ولی به سه جریان مهمّ تاریخی اشاره دارد:

الف ـ هدایت یافتگان ﴿مُهتدین﴾.

ب ـ گروهی که مورد خشم خداوند قرار گرفتند ﴿مغضوبین﴾.

ج ـ گمراهان و ﴿ضالّین﴾.

قرآن گاهی به نقل حوادث تاریخی تصریح می کند و می فرماید:

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْکَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾.

«ما بهترین سرگذشتها را از طریق این قرآن بر تو بازگو می کنیم».

ونیز میفرماید:

﴿کَذلِکَ نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ اَنباءِ ما قَدْ سَبَقَ﴾[1].

«این گونه بخشی از اخبار پیشین برای تو بازگو می کنیم».

قرآن گاهی علاوه بر نقل تاریخ، تعبیراتی بکار می برد تا شنونده را به دریافت فلسفه تاریخ برانگیزد از جمله آنها کلمه (آیت) است و در مواردی هم تاریخ را از آیات الهی می شمرد و میان طبیعت و تاریخ رابطه نزدیکی برقرار می کند تا مؤمنان و هوشمندان را با روح آن آشنا سازد:

﴿اِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمینَ﴾[2].

«در این (سرگذشت عبرت انگیز) نشانه هایی است برای هوشیاران».

در خصوص فرعون نیز این تعبیر را بکار برده و خود او را به عنوان کسی که منشأ پیدایش بخشی از تاریخ گشته است (آیت) می داند و می فرماید:

---

۱. طه: ۹۹.

۲. حجر: ۷۵.

www.ketab.ir

﴿فَالْيَوْمَ نُنَجّيکَ بِبَدَنِکَ لِتَکونَ لِمَنْ خَلْفَکَ ايَةً وَ اِنَّ کَثيرا مِنَ النّاسِ عَنْ اياتِنا لَغافِلونَ﴾[۱].

«ولی امروز بدنت را (ازآب) نجات می دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند».

همه انسان که هر یک از پدیده های طبیعی چون ماه و خورشید و کوه و دشت و دریا ای است برای تفحّص در وجود خداوند و شناخت وی، هر کدام از مقاطع تاریخ گذشته روزنه ای است برای دریافت حقایق سیاسی اجتماعی و کسب تجربه و دانش. پس تاریخ از دیدگاه قرآن منبع شناخت است و می تواند آینده را نشان دهد:

﴿فَجَعَلْناهُمْ سَلَفا وَ مَثَلا لِلْآخِرينَ﴾[۲].

«و آنها را پیشگامان (درس عبرت) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم».

با این شرط که انسان، تاریخ را صرفاً روایت و در حال سکون نبیند؛ بلکه به عنوان مدل و نمونه زنده ای از گذشته دریابد و تاریخ را از انحصار گذشته به زمان حال بیاورد و بلکه آن را به زمان آینده نیز تعمیم دهد. کسی که تاریخ می نویسد و کسی که تاریخ را مطالعه می کند باید (سَلَف) و (مثل) بودن تاریخ را همواره در نظر گیرد تا از آن درس بیاموزد...

تاریخ محصول تجربیات گذشتگان

هر کسی در زندگی خود احتیاج به تجربه دارد اما عمر یک شخص برای کسب همه تجربه ها کافی نیست. تنها از راه تاریخ می توان از تجربه های گذشتگان بهره گرفت؛ تاریخ دربردارنده تجربه های افراد و جامعه هایی است که در گذشته زندگی کرده و تجربه های تلخ و شیرین کسب نموده اند. اکنون می توان از آنها سود جست. چنین کسی آن را ماند که به درازای تاریخ عمر کرده است.

---

۱. یونس:۹۲.

۲. زخرف:۵۶.

www.ketab.ir

تاریخ احیاگر دلهای فرد و جامعه

همچنان که نهادهای انسانی همچون؛ مذهب، علم وهنر به احیاگر نیاز دارند، کانون آنها یعنی دل نیز احتیاج به احیاکننده ای دارد که زنگار از چهره آنها بزداید یعنی قلب جامعه و وجدان عمومی به نیروی محرک نیاز دارد که پیوسته آن را از رکود و سکون و آلودگیها و مرگ و میرها نجات دهد و به سوی، تحرک، پاکی، وبیداری فراخواند و این کار از دیدگاه نهج البلاغه از علم تاریخ ساخته است. یا [illegible] توان گفت تاریخ در احیای دل فرد و جامعه نقش عمده ای دارد.

حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

قلبت را با موعظه و اندرز زنده کن... و با نشان دادن فجایع و مصائب دنیا آن را بصیر گردان، و از حالات روزگار و زشتیهای گردش شب و روز برحذرش دار! اخبار گذشتگان را برا عرضه کن و آنچه را که به پیشینیان رسیده است یادآوریش کن. در دیار و آثار مخروبه آنها گردش نما و درست بنگر که آنها چه کرده اند.

تاریخ در نهج البلاغه به مثابه شخص دلسوز و آگاه معرفی شده است که در مراحل مختلف زندگی برای انسان چشم انداز رهنمود می دهد:

«اَلْفِکْرُ مِرْاٰةٌ صافِیَةٌ وَ الاْعْتِبارُ مُنْذِرٌ ناصِحٌ[1] ».

«تفکر آیینه زندگی و عبرت گرفتن (از تحولات تاریخی) بیم دهنده ای خیرخواه است».

نهج البلاغه افزون بر اینکه ما را به مطالعه و سیر و تمعن در تاریخ ترغیب می کند خود در نقل حوادث و وقایع مهم و حساس تاریخی پا بگام است و بیش از هر کتاب سخن از تاریخ به میان آورده است؛ در نخستین خطبه آن، مقاطع مهمی از تاریخ عنوان شده است. همانند تاریخ پیدایش جهان و مراحل طبیعی آن، آفرینش انسان نخستین (حضرت آدم علیه السلام)، خلقت فرشتگان و بعثت انبیاء علیهم السلام که همه اینها نشانگر اهمیت تاریخ در نهج البلاغه است.

---

۱ . نهج البلاغه: ۸۵/۴.

www.Ketab.ir

تاریخ از دیدگاه قرآن

مجموعه وقایع و حوادثی است که در چارچوب قوانین و سنتهای تغییرناپذیر بروز کرده اند و باید به عنوان تجربه و عبرت، در فراروی آیندگان قرار گیرند. اسلام، تاریخ گذشته را با زندگی امروز مرتبط و شناخت درست آن را دانش زا و ایمان بخش می داند:

﴿لَقَدْ كانَ فی قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لاوِلِی الاَلْبابِ﴾ (۱).

«در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود».

از نظر قرآن و نهج البلاغه، عبرت آموز بودن حوادث و عبرت گرفتن، روح تاریخ است و بدون آن تاریخ به پیکره جامد و بی جان می ماند. عبرت به معنای عبور کردن، گام برنهادن و گذشتن از بیرون یک چیز به درون آن است. عبرت پلی است از رویدادهای تاریخی که باید از آن باید گذشت و به طبیعت و علل آنها رسید و به باطنشان نفوذ کرد بسان نفوذ شعه آفتاب، درون شیشه یا بسان دانش پژوهی که از ظاهر (عبارت) عبورمی کند و به معنا می رسد و یا خوابگزاری که از قالب تمثیلی رؤیا می گذرد و به درونش راه می یابد آن را (تعبیر) می کند.

در تفسیر تاریخ باید بدون پیش داوری به آن نگریست تا علل حوادث را دریافت و به قوانین کلی رسید وگرنه تاریخ جز تلی از معلومات و محفوظات نخواهد بود از این روست که اندیشمندان متأخر، تاریخ را این گونه تعریف کرده‌اند:

«تاریخ عبارت است از جدایی از طبیعت، درنتیجه بیداری حس آگاهی ...»

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اِسْتَدِلَّ عَلی مالَمْ یَکُنْ بِما قَدْ کانَ فَاِنَّ الاُمُورَ اَشْباهٌ»(۲).

بر پایه رویدادهای تاریخی گذشته، در مورد آینده استدلال کن، چرا که جریان های تاریخی همانند یکدیگر است.

و نیز می فرماید:

---

۱. یوسف: ۱۱۱.

۲. نهج البلاغه: ۵۵/۳؛ بحار الأنوار: ۳۲۸/۶۸.

مواعظ الانبیاء علیهم السلام

www.ketab.ir

«وَ لَو اعْتَبَرْتَ بِما مَضی حَفِظْتَ ما بَقِی» [۱].

اهمیّت تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

برخی به تاریخ با نظر تردید می نگرند، برای آن ارزش علمی قائل نیستند و آن را بسان شعر می دانند که بر اساس نیاز، هدف، ذوق و تخیل شاعر سروده می شود نه بر اساس واقعیّتها و عینیّتها. تا جایی که می گویند:

«تاریخ هیچ چیز نیست جُز دروغهایی مورد اتّفاق همه».

بد بنی این افراد به تاریخ، از مطالعه حوادث تحریف یافته، مبالغه آمیز و تعمیم آن به همه زمانها ناشی شده است در حالی که همه تاریخ دروغ و مشوش نیست. به علاوه بحث روی تاریخ واقع نماست که ببینیم چه اهمیتی دارد؟

نگرش اسلام درباره تاریخ بر خلاف بدبینان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و اسلام نقش آن را در ابعاد نظری و عملی تعیین کننده می داند و شناخت تاریخ را از لوازم شناخت تعالیم اسلامی حساب می شمرد. در این مورد، قرآن سند زنده و دلیل گویاست و در یک نگاه می توان بیش از یک سوم تاریخی و ارزش آن را بدست آورد. با یادآوری این نکته که قرآن، گرچه یک کتاب تاریخی نیست که چون دیگر کتابها در پی وقایع نگاری و انعکاس رویدادها و زندگی اقوام گذشته باشد ولی مسائل زیادی ازآن قابل استنباط و استخراج است و می توان روابط و قانونمندی حاکم بر تاریخ را بطور عمیق به دست آورد؛ زیرا قرآن علل پیدایی ها، شکستها، پیشرفتها وعقب ماندگی های برخی از اُمم گذشته را تحلیل می کند و عوامل ظهور و افول تمدنها را یادآور می شود و اینسان ما را در متن زندگی گذشتگان قرارمی دهد و از شخصیتهایی یاد می کند که منشأ تحول جامعه شده و اثر مثبت در تاریخ داشته اند و نیز از جبارانی سخن می گوید که قافله بشری را سالها عقب نگه داشته اند.

---

۱. نهج البلاغه: ۷۹/۳؛ بحار الأنوار: ۴۸۳/۳۳.

www.ketab.ir